30
05
19
۵شنبه
۹ خـرداد ۱۳۹۸
۲۴رمضـان ۱۴۴۰
شـــماره ۲۸۳۸

یادداشت

بیم مکافات و اندوه جنایت

اگر کتاب «جنایت و مکافات» داستایوفسکی را خوانده باشید، احتمالا با مضمون قتلی که یک انسان بی گناه با نیت رستگاری انجام می دهد، ناآشنا نیستید؛ قتلی که گاه قاتل در موقعیت یک ابرانسان خود را مجاز به آن می بیند و حسب یک اتفاق دست به این کار می زند. جنایت و مکافات، داستان زندگی بسیاری از قاتلانی است که هیچ گاه نمی خواستند قاتل باشند. انسان هایی شریف که در کمترین زمان، به‌دلیل یک تصمیم ناصواب یا حتی یک تحلیل غیردقیق، تبدیل به یک قاتل می شوند؛ همان نقشی که در نظام ارزشی آن ها معنا و مفهومی نداشته.

حکایت پرونده جنجالی این روزها که یک تراژدی عشقی سیاسی است و قدرت بالایی برای جذب مخاطب دارد، گویی برداشتی دیگر از جنایت و مکافات است. مردی آرام با کمترین حاشیه که به‌دلیل ۳۲سال سابقه مدیریتی در سطح وزارت و شهرداری، سلبریتی سیاسی به‌شمار می آمده، درگیر یک رابطه احساسی می شود و در دوره کوتاه چندماهه می فهمد که پشت پرده این رابطه، انگیزه‌های غیراحساسی و حتی شاید امنیتی در کار است. او که سال ها در مقام یک نخبه دانشگاهی و مدیریتی، خود را بیرون از دایره خطاهای معمول در زندگی انسانی می دیده، ناگهان دست به اسلحه می برد و جنایتی را رقم می زند؛ جنایتی که جایگزین هزار و یک روش معقول دیگر برای حل مسئله می شود. فاصله تبدیل یک نخبه سیاسی به یک قاتل با دست‌های بسته و لباس آبی بر تن، بسیار ناچیز است. ناچیز، اما عمیق و عمق آن را رسانه ها تعیین می کنند.می شود محمدعلی نجفی را سرزنش کرد که چرا نه برای آغاز رابطه و نه پایان آن، تصمیم درستی نگرفته است. می شود این فارغ‌التحصیل رشته ریاضیات را نکوهش کرد که چرا با اسلحه به سراغ حل این مسئله رفته است. می توان از او پرسید که به‌عنوان یک سیاست‌مدار چرا خود را برای شرایطی این‌چنینی آماده نکرده بود؛ اما در کنار همه این سؤال ها نمی توان این گزاره را از ذهن دور داشت که شاید نیندیشیدن به همه این شرایط، از نجفی، یک قاتل ساخته است.

مصطفی انتظاری‌هروی
**دکتری علوم سیاسی
روزنامه‌نگار و
فعال رسانه**

گاهی یک اتفاق، شاید یک بدشانسی، انسان را در موقعیتی قرار می دهد که تنهاراه برایش، یک تصمیم اشتباه است. فیلم «match point» اثر وودی آلن را اگر دیده باشید، متوجه خواهید شد که چطور فشار شرایط شما را به گوشه رینگ زندگی می برد و ناچارتان می کند که روی دیگری از سکه شخصیت خود را رو کنید. این اتفاق معمولا برای آن هایی می افتد که هیچ گاه فکر نمی کردند در چنین شرایطی گرفتار شوند. همان ها که سال ها با آبرو زیسته و اصطلاحا پایشان حتی به کلانتری باز نشده، اما در یک لحظه که قدرت کنترل خود را از دست می دهند و قربانی بی تجربگی در مواجهه با بدبیاری می شوند.

نجفی وزیر آموزش‌وپرورش نسل ما دهه‌شصتی ها بود. یک معلم؛ و حالا آقای معلم انگار ناخواسته با شلیک نابجایش دارد درس آخر را یادمان می دهد، درسی که در هیچ کدام از کتاب های مدرسه نبود. درسی که می گوید هیچ تضمینی برای شرافتمندانه زیستن تا پایان عمر وجود ندارد و فقط یک اتفاق، یک تصمیم اشتباه، یک لحظه پیش‌بینی‌نشده، همه‌چیز را وارونه می کند و عصر مکافات آغاز می شود.

درست زیستن امری ابدی نیست و قاتل ها انسان هایی عجیب‌وغریب نیستند. این تصور که افراد گناهکار از کودکی شخصیتشان با این ویژگی رشد کرده، یک فریب برای توجیه مرزی است که انسان های درستکار میان خود و گناهکاران ترسیم می کنند. اتفاقاتی مانند پرونده نجفی نشان می دهد که مرز میان درست کاری و خطاکاری فقط یک لحظه، فقط یک تصمیم، فقط یک رابطه، فقط یک نگاه است و گویی همه ما قاتلان بالقوه‌ای هستیم که اگر هنوز مرتکب جنایت نشده‌ایم، نه الزاما از روی پاکی درونی‌مان، بلکه به‌خاطر خوش‌شانسی در مواجهه با شرایط است.

روشن است اگر کسی پیاپی خود را درمعرض شرایط تصمیم گیری سخت قرار دهد، بیشتر احتمال دارد به خطا آلوده شود و اگر کسی کمتر به استقبال شرایط پیچیده برود، راه برایش بازتر است؛ اما از یک نکته نمی شود گذشت، اینکه شرایط هیچ‌یک از ما، مانند هم نیست و هیچ تضمینی برای اینکه شرایط دشوار شبیه آنچه در این ماه‌ها بر نجفی گذشته، به سراغ ما نیاید، وجود ندارد. پس همواره باید مراقب دوره مکافات بود؛ حتی اگر هیچ جنایتی هنوز بر ما تحمیل نشده باشد.

کاسبان قتــل

ماجرای ارتکاب قتل نجفی، شهردار سابق تهران
پس از ۲ روز همچنان
داغ‌ترین سوژه فضای مجازی است

عکس: باشگاه خبرنگاران

ایمان فروزان‌نیا

قتل میترا استاد به‌دست محمدعلی نجفی، شهردار سابق تهران، در دوسه روز گذشته داغ‌ترین خبر فضای مجازی بوده است. دیروز در هر ساعت ۵۰ توئیت با هشتگ «نجفی» در توئیتر نوشته شد و رسانه‌ها هر لحظه جزئیات بیشتری از ماجرای این قتل فاش کردند.

حرف‌های تکان‌دهنده نجفی در دادسرا

دیروز نجفی بعد از اعتراف به قتل همسر دومش برای انجام بازپرسی به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد و در آنجا از جزئیات بیشتری درمورد ماجرای قتل همسرش پرده برداشت. نجفی درباره نحوه آشنایی با همسر دومش گفت: «در اردیبهشت ۹۶ دفتر من آمد و در آنجا هنوز شهردار نبودم. او می‌خواست کاندیدای شورای شهر در اسلامشهر شود، تقاضایش این بود که او را به دوستانی که در اسلامشهر دارم، معرفی کنم که کمکشان کنند و از آنجا آشنایی ما شروع شد.» شهردار سابق تهران بیان کرده که این اواخر سعی داشته از همسر دومش جدا شود و گفته است: «مهریه همسرم ۱۳۶۲ سکه بود، این اواخر گفتم من حاضرم هر چه دارم بدهم تا مهریه‌ات را پرداخت کنم؛ اما می‌گفت می‌خواهم کاری کنم که از زندگی بیزار شوی.» او همچنین گفت به قصد کشتن همسرش به خانه نرفته و فقط می‌خواسته او را بترساند: «در دوران زندگی حدود یک‌ساله‌ام با میترا استاد، به‌جز لحظات کوتاهی، همیشه با هم درگیر بودیم و اجازه نمی‌داد او را طلاق دهم. هر وقت صحبت از طلاق می‌کردیم، شروع به شکستن وسایل خانه می‌کرد و با کارد حمله می‌کرد و همیشه من را تهدید می‌کرد و حتی برای خروج از منزل هم همیشه محدودیت داشتم.»

جزئیات قتل از زبان قاتل

نجفی ماجرای قتل را از شب قبل از قتل شروع کرده و گفته از ساعت ۱۱ شب که به اتاق خواب رفته تا بخوابد، میترا مرتب بالای سرش می‌آمده و حرف‌های ناپسندی می‌زده تا او را عصبانی کند و کار به درگیری فیزیکی بینجامد و در این مدت به او و پدرومادر مرحومش فحاشی می‌کرده است. او ادامه ماجرا را این‌طور تعریف کرده است: «ساعت ۹ صبح پسرش برای امتحان از خانه بیرون رفت و او مجددا شروع به فحاشی و دادوبیداد کرد. ساعت ۹:۳۰ می‌خواست برود حمام که تلفن‌همراه مرا با خود برد و گفت برای اینکه به کسی زنگ نزنی، با خودم می‌برم. گفت من به حمام و بعد از آن بیرون می‌روم. گفتم کجا می‌خواهی بروی؟ گفت خودم می‌دانم. دیگر به‌خاطر عصبانیت ناشی از بحث‌های روز قبل و صبح آن روز، به‌سمت اسلحه که در کمد بود رفتم. من اسلحه بردم و گفتم که حاضری به این ماجرا خاتمه بدی یا خیر که او وقتی اسلحه را دید، ترسید. هنوز وارد وان نشده بود و جلوی وان ایستاده بود. دستش را روی گردن من انداخت به حالت التماس، که من نمی‌دانم از آن به بعد ۴ تیر شلیک شد.» شهردار پیشین تهران گفت: «بعد از این حادثه به سر خاک پدر و پدربزرگم رفتم که خودم را بکشم؛ اما زمانی که با خود فکر کردم، به این نتیجه رسیدم که قانون راه بهتری است و تصمیم گرفتم که خودم را معرفی کنم.»

ماجرای شنود و روایت دختر نجفی

نجفی دیروز در دادسرا حرف‌های حاشیه‌ساز دیگری هم زد. او ادعا کرده تماس‌هایش شنود می‌شده و در اختیار همسر دومش قرار می‌گرفته و گفته است: «درخصوص شنودها مطلبی است که برای من مسجل نشده، ولی در همان حدی که گفتم بوده و ممکن است کار یک نهاد نباشد و کار یک شخص در نهاد باشد که با وی ارتباط داشته و این کار را کرده و من نمی‌دانم؛ اما این موضوع، انگیزه قتل نبوده است.»

دیروز در دادسرا علاوه بر صحبت‌های محمدعلی نجفی، حرف‌های خانواده قاتل و مقتول هم رسانه‌ها و خبرنگاران را به خودش جلب کرد. دختر نجفی از اولین افرادی بوده که خودش را به صحنه جنایت رسانده است. او ماجرای روز قتل را این‌طور روایت کرده است: «پیش از ظهری که قتل رخ داد، راننده پدرم نزدم آمد. او یک نامه سه‌برگی پشت‌ورو از پدرم به من داد که در آن نوشته بود میترا را کشته و دلایلش را هم نوشته بود. سراسیمه به موبایلش زنگ زدم. خاموش بود. راننده پدرم چون به‌تازگی اسباب‌کشی کرده بودند، کلید خانه را داشت. سریع آنجا رفتیم و با ورود به خانه جسد را دیدیم. ما در خانه بودیم که پسر میترا آمد. من کیفش را گرفتم و در گوشه‌ای گذاشتم و بعد فهمید چه اتفاقی افتاده است.» دختر محمدعلی نجفی گفته میترا استاد خیانت نکرده، اما پدرش را مرتب تهدید می‌کرده که خیانت می‌کند و همین باعث شده بود پدرش در تنگنا قرار گیرد.

خانواده میترا استاد هم خیلی زود با رسانه‌ها ارتباط گرفتند و مادر میترا گفته از خون دخترش نمی‌گذرد و قطعا درخواست قصاص خواهد داد.

اسلحه از کجا آمده بود؟

یکی از ابهامات این پرونده این بود که قاتل از کجا و چطور اسلحه داشته است؟ نجفی درباره اسلحه و مجوز استفاده از آن گفت: «اسلحه از سال ۶۰ که ترورهای خیابانی در ایران بود، به‌دلیل اینکه وزیر فرهنگ و آموزش عالی بودم، توسط نهادهای رسمی در اختیار من گذاشته شده، به‌صورت مرتب کارت سلاح من تمدید می‌شد. فکر می‌کنم تا سال ۹۶ این کارت تمدید شد و نمی‌دانم که تا دیروز اجازه استفاده از سلاح را داشتم یا نه. ۱۵ سال است که این اسلحه را نه حمل و نه استفاده کرده بودم. کارت آن را بعد از اینکه مهلتش در سال ۹۴ یا ۹۶ تمام شده بود، مجددا تمدید نکرده بودم که دیروز متوجه شدم زمان تمدید آن تمام شده است.» به گفته پلیس پایتخت، نجفی به‌سبب مسئولیتی که داشته، تا سال ۹۴ دارای مجوز حمل سلاح بوده، اما پس از آن تاریخ، مجوزی نداشته است. در گزارش پلیس همچنین ذکر شده اینکه می‌گویند یکی از تیرها کمانه کرده و به پای نجفی برخورد کرده، کذب است. او هیچ مجروحیتی نداشته است.

پوشش عجیب صداوسیما

از زمان اعلام خبر قتل میترا استاد و در عرض چند ساعت، صداوسیما چندین ویدئو درباره ماجرا منتشر کرد. در یکی محمدعلی نجفی با ظاهری معمول درحالی که در دفتر آگاهی تهران روی مبلی دربرابر رئیس پلیس آگاهی نشسته، مشغول نوشیدن چای است. در ویدئویی دیگر، نجفی از جزئیات حادثه می‌گوید و در ویدئوی سوم هم خبرنگار صداوسیما در حضور چند مقام انتظامی، اسلحه‌ای که قاتل با آن مقتول را کشته، مقابل دوربین می‌گیرد و درحالی که گلوله‌های آن را خالی می‌کند و می‌شمارد، درباره تعداد گلوله‌های شلیک‌شده به مقتول توضیح می‌دهد. چنین رویکرد کم‌سابقه‌ای ازسوی صداوسیما در ساعات اولیه ماجرا با انتقادهایی مبنی‌بر وجود انگیزه‌های سیاسی پشت ماجرا همراه شد.

اگر سناریوی انگیزه‌های سیاسی را کنار بگذاریم، رفتار تلویزیون در پوشش این قتل قطعا حاصل جوگیری و کم‌تجربگی است. درحالی که هنوز قاضی به پرونده رسیدگی نکرده، نجفی بارها جلوی دوربین سیما می‌آید، به‌جای کارشناس انتظامی، خبرنگار آلت قتاله را در دست می‌گیرد و اعلام می‌کند که همان آلت قتاله است! از طرفی انتشار این ویدئوها برای مردم ابهاماتی ایجاد کرد که چرا با یک قاتل چنین محترمانه برخورد می‌شود و باعث واکنش بسیاری از کاربران فضای مجازی شد. کمی بعد سردار رحیمی، رئیس پلیس پایتخت، درباره این فیلم این‌طور توضیح داد که «برخی گفتند چرا چایی جلوی این فرد بود؟ ما چایی را برای افسر پرونده و بعد از افطار آوردیم که به ایشان هم داده شد و این رفتار انسانی است. گفتند چرا کت‌وشلوار تن آن فرد بود؟ این فیلم‌ها وقتی گرفته شد که متهم تازه خودش را به آگاهی معرفی کرده و در حال توضیح بود.»

ماهی‌گیری از آب گل‌آلود

ولی زشت‌ترین قسمت ماجرای ارتکاب قتل نجفی را باید جایی بیرون از برج محل ارتکاب جرم یا کلانتری و دادسرا پیدا کرد. زشت‌ترین قسمت این ماجرا، سوءاستفاده‌های سیاسی و خبری از این قتل بود.. نجفی یک فعال اصلاح‌طلب بوده و ارتکاب این قتل فرصت مناسبی برای ضربه‌زدن به جریان اصلاح‌طلبی بود؛ مثل کاری که روزنامه وطن‌امروز، روز بعد از قتل انجام داد و عبارت «شلیک به قلب اصلاحات» را به‌عنوان تیتر اصلی خود انتخاب کرد و با واکنش های بی شماری در فضای مجازی روبه‌رو شد. به نظر می رسد این پرونده دارای ابعاد مختلف دیگری می باشد که طی روزهای آتی باید مشخص شود و تا آن روز باید در مورد نتیجه گیری ها و اظهار نظر ها کمی محتاط تر عمل کرد..

به وقت گشت و گذار

روستای گل گلاب

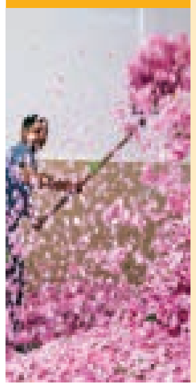

تا همین ۴ سال پیش کمتر کسی بود که نام «فَرُّخَد» به گوشش رسیده باشد اما حالا به واسطه مزارع گل محمدی و مراسم گلاب گیری، عطر و آوازه این روستا در مشهد و خراسان پیچیده است. فرصت را غنیمت شمرید و این روزهای باقی‌مانده از ماه رمضان را با عطر گلاب درهم آمیزید. سفر به این روستا، به دلیل فاصله بسیار کمی که تا مشهد دارد، روزه را باطل نمی کند، پس از این حیث خیالتان راحت باشد. اگر تمایل به بازدید از فرخد را دارید، بهتر است دست بجنبانید که تا ۱۵ خرداد بیشتر زمان ندارید. ساعت ۵ صبح تا ۳ بعدازظهر، نهایت زمانی است که می‌توانید برای تماشای برداشت گل محمدی حاضر شوید. روستای فرخد در نه‌کیلومتری مشهد و سمت چپ جاده مشهد-کلات قرار دارد.

شب‌ها به دیدن خواب‌گرد بروید

«غریب پسری بیست‌وهشت ساله به دلیل یک اتفاق ۱۰ سال از خانواده‌اش دور می‌شود و...» این خلاصه تئاتر «خواب‌گرد» است. نمایشی در ژانر اجتماعی و برگفته از نمایش‌نامه خواب‌گرد نوشته نوید ایزدیار است. رضا سیستانی طراحی و کارگردانی این نمایش را برعهده دارد و علاقه‌مندان به تئاتر می‌توانند شب‌ها ساعت ۲۰:۴۵ برای تماشای آن به تماشاخانه خورشید بروند. مدت زمان این نمایش ۷۵دقیقه است و بهای بلیت آن ۱۷هزار تومان است. شما می‌توانید بلیت «تئاتر خواب‌گرد» را به صورت الکترونیکی از سایت مشهدگیشه خریداری کنید و برای تماشای آن به تماشاخانه خورشید واقع در حد فاصل معلم ۲۸ و چهارراه دانش‌آموز بروید.

جدول ۲۶۸۶

shahr.puzzle@shahrara.com

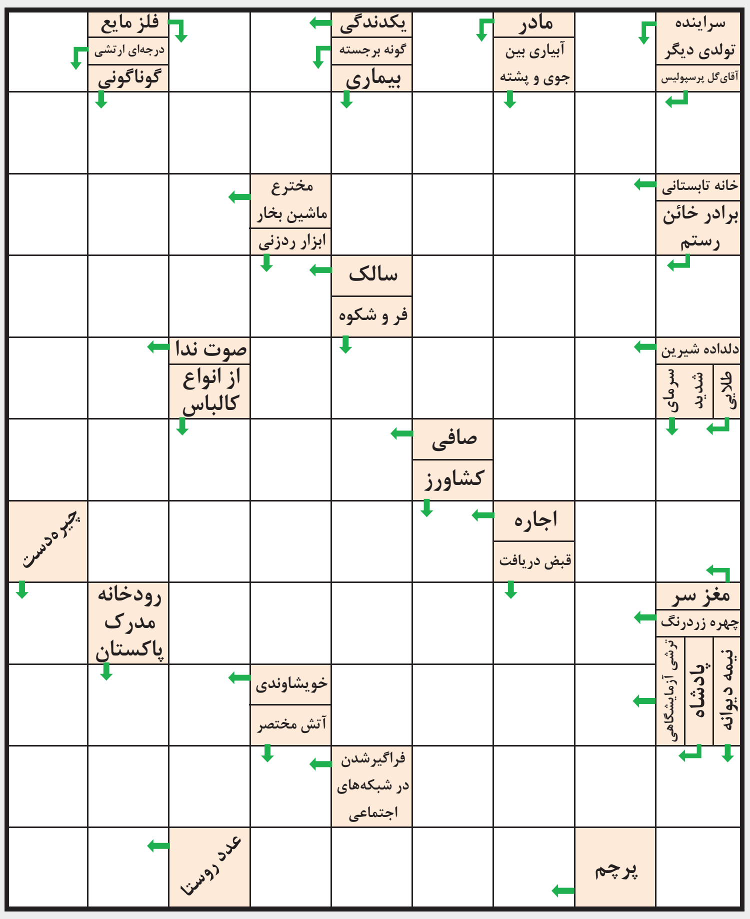

طراح: محمدرضا علیزاده

پاسخ جدول ۲۶۸۵

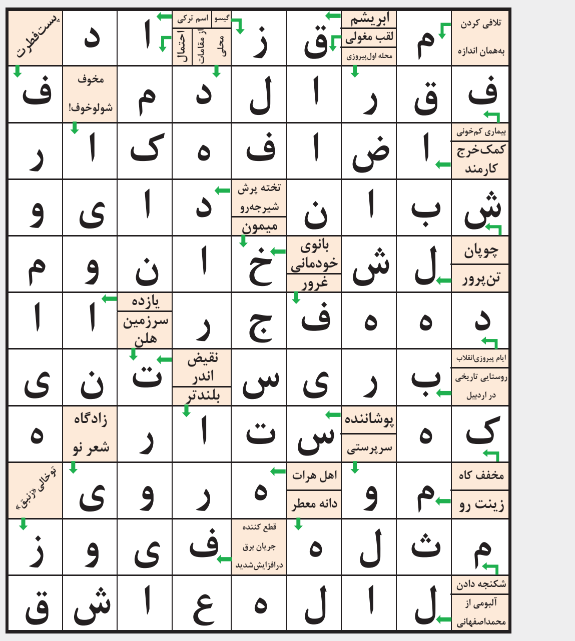

جا کتابی

راهنمایی برای آموختن زبان زندگی

الهام یوسفی | هیچ کس کامل نیست و همه ما به درستی این حقیقت بزرگ را می دانیم اما وقتی نوبت به قضاوت درباره خودمان می رسد، فکر می کنیم آدم هایی هستیم همه چیز تمام، مخصوصا در ارتباط با دیگران. یا شاید طور دیگری باشیم، از آن دسته آدم هایی که یک نیروی دائمی سرزنشگر در وجودشان دارند، نیرویی که مدام با احساس گناه عذابشان می دهد و باعث می شود به خاطر تک تک رفتارهایشان از خود عصبانی و حتی گاهی متنفر شوند. در واقع مهم نیست که ما کامل نیستیم یا مدام در فضای ارتباطی‌مان دچار اشتباه می شویم، قبل از هر چیز باید بدانیم کامل بودن یک رؤیای پوچ است. مهم این است که ما برای بهتر شدن خودمان، رابطه‌هایمان و حل کردن مشکلاتمان، و به دنبال آن بهتر شدن حالمان تلاش می کنیم. کتاب هایی وجود دارند که به ما در این مسیر راهکارهای مناسب و تمرین های عملی می دهند. شما هم اگر در ارتباطتان با افراد مختلف خشم زیادی را تجربه می کنید، حالا چه درباره خودتان و چه دیگران، باید به سراغ یکی از بهترین کتاب های این حوزه بروید: «ارتباط بدون خشونت؛ زبان زندگی». یک کتاب علمی که تا حد زیادی کوشیده است عملی هم باشد و راهکارهای مناسب و واقع بینانه پیش رویتان بگذارد. برخلاف کتاب هایی که یا خیلی پیچیده و سخت نوشته شده‌اند یا بسیار سطحی و نصیحت گونه، این کتاب با زبانی روان و قابل فهم، روشی آزمایش شده را برای حل مسائل پیش رویتان می گذارد. ارتباط بدون خشونت را «مارشال روزنبرگ» روان شناس معاصر نوشته است. او ابتدا شما را با معنای واقعی ارتباط آشنا می کند، چیزی که معمولا آن را به درستی نمی فهمیم. مراحل ارتباط را توضیح می دهد و در طول مسیر به شما یاد می دهد که چگونه هر مرحله را بشناسید، مشکلات و مسائلش را بدانید و برای رفع کردن آن چه کنید؟ عنوان های برخی از فصل های کتاب این گونه است: ارتباط بدون خشونت، ارتباطی که محبت را مسدود می کند، مشاهده بدون ارزیابی، شناسایی و ابراز احساسات، قدرت همدلی، ارتباط محبت آمیز با خود، ابراز کامل خشم و.... مهم است که بدانیم در یک ارتباط چگونه باید صحبت کنیم، چطور باید مسائلمان را طرح کنیم تا کمترین آسیب را ببینیم و بیشترین دستاورد را داشته باشیم. کتاب می خواهد دیدگاه ما را به مسائلمان عوض کند، اینکه شکست خورده، غمگین، ناکام و آسیب دیده هستیم و دائم در تلاشیم تا جهان را به نفع خواسته‌های خودمان تغییر دهیم اشتباه بزرگی است که باید با تغییر دیدگاهمان جبران شود. باید تغییر را از لایه‌های درونی خودمان آغاز کنیم. به قول نویسنده: «بیایید خودمان تغییری شویم که در دنیا جست و جویش می کنیم.» این کتاب با ترجمه کامران رحیمیان در ۲۸۸ صفحه از سوی نشر اختران منتشر شده است و ۲۶هزار تومان هم قیمت دارد.

خرید کتاب از گیسوم

فیلم بین

ملودی کور

فرانک باباپورا | وقتش رسیده است که سینمای هند را هم سینما حساب کنیم، آن هم از نوع آدم حسابی! انگار هند از آن فیلم هایی مثل راجو که دنبال پدرش بود یا عاشقانه هایی که دو طرف پدرشان درمی آمد و پدر یک عالمی را هم درمی آوردند تا به هم برسند، بیرون آمده و دارد فیلم های خوبی می سازد. «ملودی کور» یا Andhadhun محصول سال ۲۰۱۸ سینمای هند یکی از همان خوب هاست که با رأی مخاطبان سایت IMDb نمره ۸،۵ از ۱۰ را گرفته و در جایگاه صدوشصت‌وسوم بهترین فیلم های تاریخ سینما قرار گرفته است، یک فیلم اکشن و هیجان انگیز و ایضا درام که ۹۷ درصد کاربران گوگل هم آن را پسندیده‌اند.

ملودی کور داستان یک پیانیست نابیناست. شما با «آکاش» که جلوی پیانو نشسته و با چشمانی تماما سفید دارد ملودی زیبایی می نوازد، روبه‌رو می شوید. بعد با او و عصایش جلو می روید تا اینکه او تصادفا با دختری آشنا می شود و احتمالا زندگی تیره و تارش رنگ می گیرد. اما دست نگه دارید. این فیلم قرار نیست یک داستان عاشقانه بین یک نابینا و دختر محبوبش باشد. دقیقه ۱۷ فیلم، جایی که سوفی یک جمله زیبا درمورد ناقص بودن می گوید، آکاش از ته قلب می خواهد این دختر مهربان را ببیند. بوم! همین جا متوجه می شویم آکاش کور نیست. بلکه فقط برای اینکه دقتش روی هنرش بیشتر شود خودش را به کوری زده است! حالا حتما فیلم را تمام شده می دانید و فکر می کنید ملودی کور فیلمی عاشقانه است که حالا آکاش باید دنبال راهی باشد تا به سوفی بگوید می بیند و او را نرنجاند. خیالتان را راحت کنم، این فیلم قرار نیست این قدر خطی جلو برود و درست مثل دقیقه ۱۷ با بوم های دیگری روبه‌رو خواهید شد که غافل گیرتان می کنند. فیلم‌نامه به معنای واقعی همانی است که باید باشد، روی یک موج سینوسی حرکت می کند و در نقاطی، داستان را به اوج می رساند. تا آخر فیلم هم دست از میخکوب کردن مخاطب برنمی دارد، حتی همان لحظه پایان.

تماشای سریال از فیلیمو